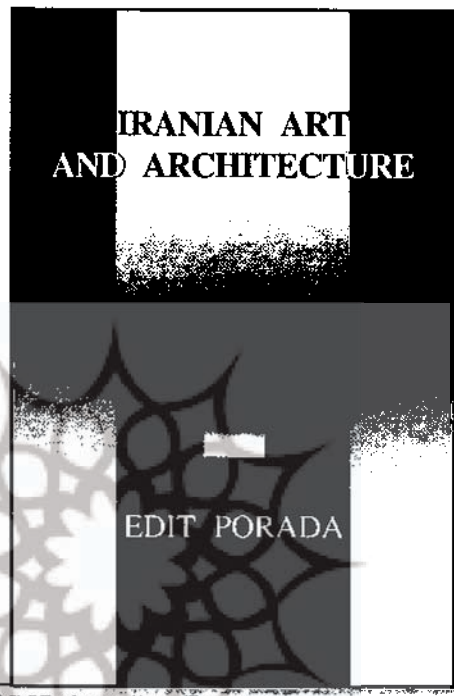


هنر و معماری ایرانی

○ مترجم: علی اکبر شریفی

○ هنر و معماری ایرانی
○ نویسنده: ادیث پرادا، با همکاری دایسون و ویلکینسون
○ انتشارات کراون نیویورک، چاپ ششم: ۲۰۰۰

را که به شکل الگوهای غیرقابل تشخیصی ساده شده‌اند، می‌توان اصل شکل‌گیری هنر ایرانی نامید. هنر ایرانی هزاره چهارم قبل از میلاد به شدت تحت تأثیر هنر بین‌النهرین قرار گرفته‌است. هنر هزاره سوم عیلام، که در سیلک و شوش یافت شده است، نیز از سبک‌های بین‌النهرین پیروی داشته و همین روند در هنر نهمینان معروف هزاره دوم عیلام و آرات نیز ادامه پیدا کرد. هنری که از لرستان کوهستانی برخاسته و بحث و جدل‌های زیادی را موجب شده است. تصور می‌شود که بسیاری از همین اشیای کوچک مفرغینی مکشوفه احتمالاً در فاصله زمانی ۱۲۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد، عمدتاً ملحقات اسلحه و اسب بودند؛ از قبیل دهانه افسار، آذین‌های لگام و طوق‌های افسار. خزانه زیویه (سقر)، که گنجینه‌ای محتوی اشیای طلایی، نقره‌ای و عاجین است، قطعاتی از لرستان را نیز شامل می‌شود. این اشیاء مبین رابطه محدود و معینی با هنر سکائیان معروف به سبک جانورنگاری است. خزانه زیویه به چهار سبک مجزا تقسیم‌بندی می‌شود: آشوری، سکایی، سرخامنی (تحت تأثیر بسیار شدید هنر یونانی)، و بومی یا محلی. این مجموعه متعلق به حدود ۷۰۰ قبل از میلاد، ناهمگونی گونه‌ها و خاستگاه‌های هنر اولیه ایران را نشان می‌دهد.



این کتاب با تلاش بخش هنرهای باستان خاور نزدیک در موزه متروپولیتن نیویورک تألیف و تدوین شده است. نویسنده در مقدمه کتاب اظهار می‌دارد: آثار هنری و ساختارهای متعددی در منطقه‌ای از آسیا، که در قدیم معروف به پرشیا بود و امروزه ایران نامیده می‌شود، خلق شده است. فلات مرتفع ایران که با کوه‌های ستر و بیابان‌های خشن احاطه شده است شاهد انبوهی از مهاجرت‌ها و توسعه و گسترش فرهنگ‌های بسیاری بوده است که همه آن‌ها ویژگی‌های متمایز و مشخصی را به سبک‌های متعدد هنر و معماری ایرانی افزوده‌اند. مجموعه‌های باشکوهی از هنر ایرانی در تهران، موزه متروپولیتن، موزه هنرهای زیبای بوستون و موزه ویکتوریا و آلبرت موجود است.

در فصل اول و در مورد آثار اولیه هنر ایرانی آمده است: هرچند تمدن‌های اولیه و قدیمی‌تر شناخته شده‌اند، اما اولین یافته‌های باستان‌شناسی برخوردار از اهمیت هنری همان سفالینه‌های باشکوه متعلق به شوش و پرسپولیس هستند (حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد). بر روی پیاله‌های پایه‌بلند و کاسه‌های بزرگ نقش و نگارهای متقارنی مشهود است که سطوح آن‌ها را تصاویری از حیوانات، به‌خصوص پرندگان و بزکوهی، می‌پوشاند. انتخاب موضوعات طبیعی



فصل دوم کتاب به بررسی دوره هخامنشی می‌پردازد: سبک واحدی در دوره هخامنشی (حدود ۳۳۰-۵۵۰ قبل از میلاد) ظهور می‌یابد هخامنشیان تحت تأثیر هنر یونانی‌ها، مصری‌ها و هنر سایر استان‌های تحت قلمرو امپراطوری ایران، سبک تاریخی و جاودانه‌ای را به کمال رساندند که در آن پیکره‌تراشی (تندیس‌گری) نقوش برجسته به عنوان الحاقی به مجموعه‌های عظیم باستان‌شناسی مورد استفاده واقع می‌شود. بنیادهای کاخ کوروش در پاسارگاد، کاخ اردشیر اول در شوش، و بالاتر از همه بقایای پهلوان مجتمع باشکوه کاخ داریوش اول و خشایار اول در پرسپولیس طرح‌هایی را پدیدار می‌سازد که از نظر خصوصیات سالن‌های شرفیابی (خضار) یا ستون‌های بزرگ را نشان می‌دهند. در جلوی این سالن‌ها رواق‌هایی ستون‌بندی شده قرار گرفتند که توسط باروهای چهارگوشی محافظت شده و بر روی تراس‌های مرتفع قرار گرفته‌اند. این کاخ‌ها توسط راه‌پله‌های دوسویه‌ای که در بالاترین نقطه به هم می‌رسند به یکدیگر وصل می‌شوند. گرچه وجوه تشابه معینی با معماری مصری، یونانی و آشوری وجود دارد، اما از نظر فضایی و مقیاسی این سبک و این نوع احساس به طور کلی متمایز از دیگر سبک‌هاست. ستون‌های پرسپولیس (تخت جمشید) نازک‌تر و بلندتر بوده و نسبت به ستون‌های یونانی به هم نزدیک‌ترند. پایه‌ها بلند و اغلب خوش‌نما هستند.

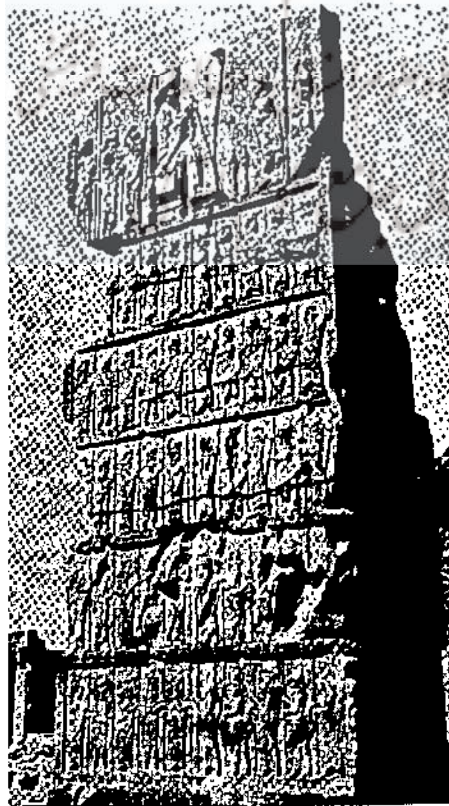
در این سبک تندیس‌گری، که صداقت و سادگی منظم و مرتبی در آن مشهود است، سبک‌گری پیشکارانه‌ای با زیرکی و ظرافت خاصی با آثار واقع‌نگاری (رئالیسم) ترکیب می‌شود. از نمونه‌های آن نقوش سنگی برجسته و ظریف گام‌برداری حاملان پیشکش‌ها هستند که راه‌پله‌های بزرگ دوسویه را مزین می‌کنند. این راه‌پله‌های دوسویه سالن شرفیابی خشایار اول (پرسپولیس) را به دیواره گل‌آذین شده سالن کمانگیر معروف (لوور، متعلق به کاخ داریوش اول در شوش) پیوند می‌دهند. این دیواره‌ها با آجرهای حاشیه‌دار و میناکاری شده تزئین شده‌اند که این شکرده اصالتاً بابلی - آشوری است. دقت و ظرافت اعمال شده در ریزه‌کاری‌های سنگی بر روی جام‌های شاخی شکل و جام‌ها و کاسه‌های ظریف طلایی و نقره‌ای، جواهرآلات و دیگر اشیای ساخته شده با این فرهنگ نیز مشهود است.

فصل سوم این کتاب به بحث و بررسی در مورد همکاری‌های پارتیان و ساسانیان می‌پردازد: پس از مرگ اسکندر بزرگ (۳۳۳ قبل از میلاد) تا ظهور پارتیان (حدود ۲۵۰ قبل از میلاد) هرج و مرج‌هایی در ایران مشاهده شد. هنر آن‌ها اصولاً یک هنر خام و خالی از ظرافت بود، و نقش‌مایه‌های یونانی را با اشکال ایرانی ترکیب می‌ساخت. ساختمان‌های سنگ‌پوش و آجرکاری شده با سرهای تندیس شده و نقاشی‌های دیواری تزئین می‌شدند. مجسمه مفرغینه بسیار بزرگ یک حکمران شامی باشکوه‌ترین و برجسته‌ترین یادمان باقی مانده پارتیان می‌باشد. چیزی که از اهمیت فراتر و بزرگتری نسبت به جنبه هنری برخوردار است، با اقتباس و تغییر، و گسترش سبک‌ها، شگردها و فنون پیشین، آن‌ها سرستون پارتی تیسفون را بازسازی و مرمت کردند. در تیسفون کاخ بزرگی با طاق ضربی (به شکل نیمه استوانه) از آجر و خشت ساخته شد. در معماری ساسانی از نقوش برجسته حجاری شده یا ساروج‌پوشی

شده و نیز از موزاییک‌های رنگارنگی برای تزئین استفاده می‌شد. بشقاب‌ها، کاسه‌ها و سینی‌های طلایی و نقره‌ای زیبا، اغلب با صحنه‌های شکار یا جانوران با برجستگی زیاد تزئین می‌شده، و منسوجاتی با طرح و نقش و نگارهای متقارن نیز بر جای مانده است. ساسانیان مراسم و جشن‌های مربوط به پیروزی‌هایشان را به صورت نقوش برجسته بر روی سنگ‌های بسیار بزرگی در محوطه‌های باز و بیرون ساختمان ثبت و ضبط می‌کردند، که در اکثر نقاط ایران پراکنده و مشهود بودند؛ و بیشتر از همان محله‌هایی استفاده می‌کردند که نقوش برجسته و کتیبه‌های هخامنشیان وجود داشت.

در منطقه بامیان افغانستان خرابه‌هایی وجود دارد که مبین تأثیر و نفوذ بسیار زیاد اشکال هنری ایرانی بر آثار قرون چهارم تا هشتم است. مجسمه‌های غول‌پیکر و بسیار بزرگی از بودا زینت‌بخش صومعه‌ها و خانقاه‌های بامیان می‌باشد، که هم‌آمیزی عناصر بودایی - ایرانی و عناصر ساسانی - ایرانی را پدیدار می‌سازد.

فصل چهارم کتاب ورود اسلام به سرزمین ایران را مورد بحث و بررسی قرار داده و اظهار می‌دارد. از سده‌های اولیه ورود اسلام در ایران آثار بسیار اندکی برجای مانده است، اما نفوذ ایران باستان (پرشیا) بر هنر و معماری اسلامی در سوریه و فلسطین بسیار شدید بود. یکی از نوآوری‌های مهم ایرانیان همان برافراشتن یک سقف گرد با پایه‌ای مدور بر روی یک سالن چهارگوش به وسیله تاق‌های گوشه‌ای است. و یک کار مؤثر و مفیدشان، استفاده آن‌ها از آذین‌بندی ساروج‌پوشی (برای روکار ساختمان)، نقش‌مایه‌های مشبک و درهم‌بافته گوناگون، و تقارن‌های



کتاب ماه هنر آذر و دی ۱۳۳۸

کاملاً مشهود بود.

نخستین بنای یادگار مهم اسلامی در ایران همان بقعه اسماعیل سامانی در بخارا است، که ساختمانی چهارگوش و محکم متعلق به سال ۹۰۷ میلادی و به سبک آجرنما، با سقفی مدور، می‌باشد.

در اوایل همین دوره بود که سرامیک‌کاری به عنوان یک شکل مهم هنری مطرح شد. فاخرترین هنرها همان پدیداری ابزار و آلات خوشنویسی نیشابور و سمرقند می‌باشد. برج آرامگاه ستاره‌ای شکل قابوس (۱۰۰۶) مبین یک شکل هنری با تأثیری دوررس می‌باشد. هم سفالگری و فلزکاری هر دو در زمان ترک‌های سلجوقی در قرون یازدهم و دوازدهم از توسعه بیشتری برخوردار شدند. فصل بعدی کتاب (فصل پنجم) در مورد عصر متولان و تیموریان صحبت می‌کند و اذعان می‌دارد که ته‌اجامت مغولان در نیمه اول قرن سیزدهم باعث ویرانی بسیاری از شهرها و در نتیجه از بین رفتن آثار هنری شد؛ ما از نقاشی ایرانی تا سبک به اصطلاح مغولی قرن چهاردهم کمتر می‌دانیم. معروف‌ترین کار (اثر) این دوره همان «شاهنامه» است. این کتاب به چند بخش تقسیم شده است و امروزه صفحات زیادی از آن در مجموعه‌های آمریکایی موجود می‌باشد. تصاویر داخل آن بزرگ، تیره‌رنگ، ولی عملاً شاد و زنده هستند، با چشم‌اندازی که نقش مهمی را ایفا می‌کند. شاهنامه‌های کوچک دارای تصاویری ساده به رنگ‌های زرد، قرمز، آبی و طلایی هستند. نقاشی تیموری در قرن پانزدهم اشکال و تصاویر کوچک‌تر و ترکیبات ایستاتری را به خدمت می‌گیرد. تأثیر و نفوذ سبک‌های چینی کاملاً مشهود و نمادهای قرینه‌سازی (متقارن) کاملاً الگو شده‌اند. در همین دوره بزرگترین نقاش این سبک، بهزاد، به خاطر ظرافت و سلیقه زیاد و خط‌مشی جالب و زیبایش معروف شده است. مسجد آبی تبریز نیز در همین زمان بنا نهاده شده است. معماری لعابی کاری در اصفهان قرن شانزدهم به حد‌اعلای خود رسید که در مجتمع ساختمانی میدان‌شاه (امام) مشهود است.

و در فصل ششم کتاب هنرهای سلسله صفوی و بخصوص نقاشی‌های این دوره مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد: در این دوره (۱۷۲۲-۱۴۹۹) کاخ‌ها با نقاشی‌های دیواری تزئین می‌شدند، که به طور عجیبی جان گرفته و بهبود یافتند. چهره‌نگاری‌های تک‌شکلی (نقاشی‌های تک‌چهره) و رسم‌های مرکبی نیز در همین دوران صفوی به عرصه حیات آمدند. یکی از شاهکارهای تذهیب صفوی همان شاهنامه شاه‌طهماسب بود که بزرگترین پیشرفت را در نقاشی سال‌های اول دهه ۱۵۲۰ تا اواسط دهه ۱۵۳۰ به ارمغان داشت.

و فصل آخر کتاب در مورد آخرین پیشرفت‌های هنر ایرانی است: در قرن هفدهم هنر ایرانی تحت نفوذ و تأثیر هنرهای هندی و اروپایی قرار می‌گیرد و به سرعت تغییر شکل می‌دهد. در دوران قاجار (۱۹۲۵-۱۷۷۹) یک سبک متمایز و نمایشی در معماری، نقاشی و هنرهای تزئینی توسعه پیدا می‌کند. سبک به اصطلاح نوهخامنشی، که از مشخصه ساختمان‌های عمومی تهران مدرن است، به تلاشی آگاهانه برای احیا و یکپارچه‌سازی میراث باستان در ایران امروزی اشاره می‌کند.